

اولویت‌های توسعه صنعت ملی؛ رشد تولید یا اصلاح ساختار؟

مهندس محمدحسین ملابری



اشاره:

توسعه صنعتی به کدام معناست؟ آیا رشد تولیدات صنعتی به تنهایی گویای توسعه در بخش صنعت است؟ تجربیات به جای ساندۀ از روزگاران ناکاپوی کشورهای توسعه یافته یا اخیراً صنعتی شده (NICs) نشان می‌دهد که اصلاح ساختار صنعتی در مرحله بازسازی و نندارک بی‌ساختهای توسعه، جایگاه مهمی داشته است.

برنامه اول توسعه، در مقام بیان اهداف کمی که منجر به اصلاح ساختار بشود، به طور نسبی موفق است (اگر چه تدوین یک مدل برای توسعه ساختاری این بخش تلاشهای به مراتب فزونی را می‌طلبد) یا این همه آن چه که در عمل اتفاق افتاده، بیانگر ضعف برنامه در تحقق اهداف مورد اشاره بوده است. مطالعه حاضر ابتدا مروری است بر شاخص ساختار صنعتی، سپس وضعیت صنایع

تولیدکننده نیازهای اساسی از نظر رشد تولید، سهم نسبی تولید و نرخ رشد سهم نسبی تولید مورد ارزیابی قرار گرفته و در ادامه، همین بررسی در مورد صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی صورت پذیرفته و نهایتاً نشان داده شده است که آیا اهداف موردنظر برنامه در بخشهای موردنظر محقق گردیده است یا خیر؟ در پایان این مطالعه، نتیجه‌گیری فشرده‌ای نیز ارائه شده است.

نرخ رشد مزیت نسبی در تولید، رشد تکنولوژی و دیگر عوامل «پی‌ساختی» در تولید داخلی (از قبیل نهادهای طراحی - مهندسی، طراحی - مونتاژ و تحقیقات کاربردی) را نام برد. در مطالعه حاضر در یک نگاه کلی به دو شاخص تأمین نیازهای داخلی در تولیدات اساسی و استراتژیک و ایضاً به موقعیت صنعت از دیدگاه ترکیب تولیدات در گروههای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی و نرخ رشد در این گروهها خواهیم پرداخت.

۱. برنامه و صنایع تولیدکننده نیازهای ضروری داخلی

در این بخش به این سوال پاسخ خواهیم داد که آیا اولاً به طور نسبی صنایع تولیدکننده نیازهای داخلی از رشد بیشتری برخوردار بوده‌اند؟ ثانیاً اگر چنین است، آیا در این امر برنامه اول توسعه، نقش خاصی را ایفا کرده است؟

ابتدا لازم است که صنایع تولیدکننده نیازهای ضروری داخلی را تعیین نماییم. برای این منظور، نیازهای ضروری از بعد

۱ - نوع متغیرها براساس خط‌مشی‌های مصوب برنامه اول در بخش صنعت و معدن امتیاز گردیده است. بدیهی است که در صورت تغییر استراتژی توسعه، لاجرم متغیرهای تابع ساختاری، تغییر خواهد کرد. در برنامه اول در این زمینه چنین می‌خوانیم:

اصلاح ساختار تولید در جهت افزایش مستمر سهم کالاهای سرمایه‌ای در تولیدات بخش و انکای بیشتر تولید صنعتی به منابع داخلی و حرکت در جهت توسعه صادرات».

ساختار صنعتی و به تعبیر گروهی «آرایش صنعتی»، مفهومی است که این روزها در لسان دست‌اندرکاران برنامه و صنعت کشور فراوان به کار برده می‌شود.

بی‌شک تدارک مدلی که بتواند معرف کلیه متغیرها برای معرفی تابع «ساختار صنعتی» باشد، از حوصله این مقال خارج و نیازمند کار گروهی و مفصلی است. این که آیا در تدارک برنامه اول توسعه، اساساً مدلی برای توسعه صنعتی توسط کارشناسان محترم سازمان برنامه و بودجه به کار گرفته شده، و در صورت مثبت بودن، آیا مدل مذکور از متغیرهای دقیق و کافی ساختاری برخوردار بوده است یا خیر؟ مقوله‌ای است که نیازمند بررسی و مطالعه مستقلی است که امیدواریم در فرصت دیگری با بهره‌گیری از نظریات همکاران عزیزمان در سازمان برنامه و بودجه به آن بپردازیم.

بدون این که به کمی کردن نوع متغیرهای شناخته شده در تابع «ساختاری» بپردازیم، در مقام بیان توصیفی قضیه می‌توانیم چنین عرضه بداریم که تابع ساختار صنعتی می‌تواند از متغیرهای شناخته شده‌ای چون: ترکیب تولیدات صنعتی در گروههای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی، نرخ رشد ارزش افزوده در این گروهها، توانمندی عرضه نیازهای اساسی و استراتژیک، سهم منابع داخلی در تولید،

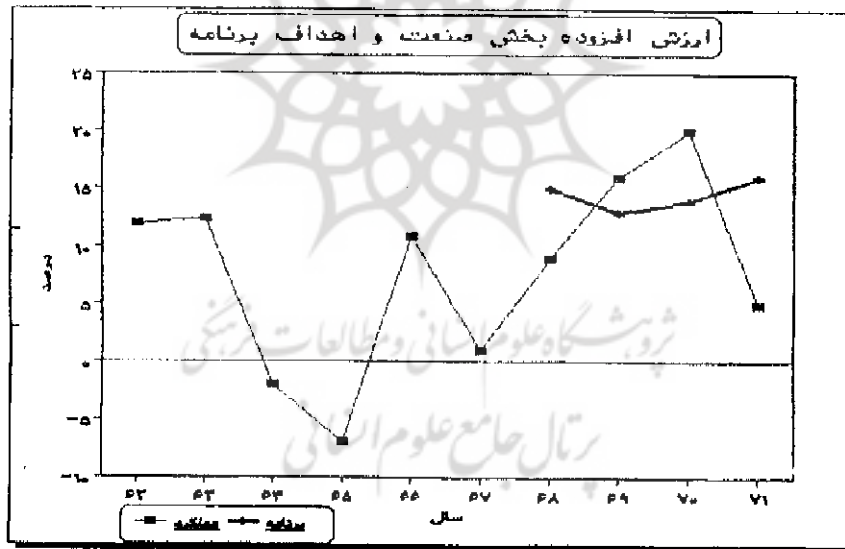
که این انتخاب موجه می‌باشد. البته به اقلام بالا دارو را نیز باید اضافه کرد. ابتدا مروری می‌کنیم بر گزارش سازمان برنامه در مورد تولیدات اساسی در بخش صنعت:

«... تولید قند و شکر، روغن نباتی، سیمان، شیشه و لاستیک در چهار سال اول برنامه روند افزایشی داشته است. تولید قند و شکر که در سال پایه برنامه، ۶۴۴ هزار تن برآورد شده بود، در سال ۱۳۷۱ به ۸۲۹ هزار تن رسید که رشدی بالغ بر ۲۸/۷ درصد

مصرفی ملاک تعیین و تشخیص صنایع قرار می‌گیرد. طبق گزارش وزارتخانه‌های صنعتی و تأیید سازمان برنامه و بودجه^۱، کالاهای زیر به عنوان کالاهای ضروری عمده شناخته می‌شود:

- ۱- قند و شکر ۲- روغن نباتی
- ۳- پوشاک ۴- سیمان ۵- شیشه
- ۶- لاستیک

باتوجه به ضریب‌اهمیت دسته کالاهایی که این کالاها در شاخص کالاها و خدمات مصرفی در آنها جای دارند متوجه می‌شویم



۲ - برای تسهیل در نتیجه‌گیری، فولاد، آلومینیوم و تولیدات پتروشیمی را عموماً در ارزیابی نیاورده‌ایم.

افزوده صنایع به دست آورده و سپس نرخ رشد این سهم‌ها را محاسبه می‌نماییم. در این جا اگر نرخ رشد سهم نسبی ارزش افزوده این صنایع به کل ارزش افزوده صنایع از نرخ رشد سهم نسبی ارزش افزوده صنعت مربوطه آنان با کد دو رقمی (نسبت به کل ارزش افزوده صنایع) بیشتر باشد، آن گاه می‌توان ادعا نمود که این صنایع به طور نسبی (و نسبت به سایر صنایع کد دو رقمی مربوطه‌شان) از رشد (متوسط) بیشتری برخوردار بوده‌اند و لاجرم در صورتی که چنین نباشد می‌توان چنین نتیجه گرفت که برنامه در رابطه با این صنایع که نیازهای ضروری داخلی را (از بعد مصرف‌کنندگان) تامین می‌نمایند، واجد تأثیر کافی نبوده است.^۳

در جداول شماره (۱) و (۲) نتایج محاسبه سهم ارزش افزوده این صنایع، همچنین نرخ رشد سهم ارزش افزوده این صنایع گزارش شده‌اند.

به کمک این دو جدول ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۶۹ نرخ رشد سهم ارزش افزوده صنایع تولیدکننده قند و شکر برابر با ۲۶٪- بوده که این خود به معنی کاهش سهم

۳- حتی زمانی که درمی‌یابیم که نرخ رشد سهم ارزش افزوده این صنایع (کدهای چهاررقمی) از نرخ رشد سهم ارزش افزوده صنایع (با کد دو رقمی) بیشتر است نیز نمی‌توانیم این نتیجه را دلیل قطعی بر موفقیت برنامه بدانیم. در این جا لازم است که نحوه تخصیص منابع ریالی و ارزی و سایر کمکها و اعتبارات را داشته باشیم، تا بتوانیم این مسأله را که آیا ابزارهای سیاستی در راستای صنایع تامین کننده نیازهای داخلی به کار گرفته شده‌اند یا نه را، بررسی و آزمون نماییم.

نسبت به سال پایه را نشان می‌دهد. این میزان نسبت به رقم پیش‌بینی شده در برنامه بالغ بر ۴۸ هزارتن افزایش دارد. تولید روغن نباتی نیز از ۳۵۷ هزارتن در سال ۶۷ به ۶۰۸ هزارتن در سال ۱۳۷۱ رسید که با توجه به این که تولید این محصول در سال ۱۳۷۱، ۴۰۵ هزارتن پیش‌بینی شده بود.

در زمینه تولید سیمان در برنامه پیش‌بینی آن بود که در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۱۸ میلیون تن سیمان تولید شود که متأسفانه رقم عملکرد ۱۵/۱ میلیون تن را نشان می‌دهد.

تولید شیشه و لاستیک نیز در سالهای برنامه همواره بیش از اهداف کمی پیش‌بینی شده بود به طوری که در سال ۱۳۷۱ ارقام تولیدی نسبت به برنامه در این زمینه به ترتیب ۴۵/۶ و ۳۷/۲ درصد رشد نشان می‌دهد...»

بی‌تردید این تولیدات در برنامه اول، با رشد مواجه بوده‌اند، ولی همان طور که گفتیم با انتخاب استراتژی خوداتکایی در تولیدات اساسی، ساختار صنعتی تابع حجم تولید این صنایع نیست، بلکه پیش از آن تابع نرخ رشد سهم این صنایع در کل صنعت در شاخه‌های کارخانه‌ای ذیربطشان می‌باشد. با این دیدگاه به ارزیابی موقعیت ساختار صنعتی از نظر تولید و عرضه کالاهای اساسی می‌پردازیم.

ابتدا سهم ارزش افزوده هرکدام از این صنایع (کدهای ۳۱۱۸، ۳۱۱۵، ۳۲۲۰، ۳۶۹۲، ۳۴۲۰) را به کل ارزش

گزارش ویژه

این صنایع در مقایسه با سایر صنایع دو رقمی مربوطه شان به زیر سوال می‌برد. با استدلال مشابه می‌توان نشان داد که این نرخ برای صنایع تولیدکننده روغن نباتی در سال مزبور برابر با ۱۸٪ بوده است که در مقام مقایسه با نرخ رشد این سهم برای کل صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات (۶٪-) قابل توجه است. در این جا نیز نتیجه مانند حالت قبل می‌باشد.

ارزش افزوده این صنایع در کل صنعت کشور می‌باشد.

این امر در حالی اتفاق می‌افتد که نرخ رشد سهم ارزش افزوده صنایع غذایی به کل صنایع در سال ۱۳۶۹ برابر با ۶٪- می‌باشد. در نتیجه در مقام قیاس و به طور نسبی سهم صنایع تولیدکننده قند و شکر با روند و نرخ بیشتری نسبت به سایر مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات کاهش یافته است، که این امر توجه نسبی مجریان برنامه را به

جدول (۱) - سهم ارزش افزوده سنوات تولیدات اساسی صنعتی کشور

سال	کد ۳۱۱۵	کد ۳۱۱۸	کد ۳۲۲۰	کد ۳۶۹۲	کد ۳۶۲۰	کد ۳۵۵۱
۱۳۶۷	۰/۰۰۳۴۷۰	۰/۰۱۲۵۸۶	۰/۰۰۰۳۹۸	۰/۰۲۸۰۹۷	۰/۰۱۱۷۲۱	۰/۰۱۰۴
۱۳۶۸	۰/۰۰۴۳۸۲	۰/۰۱۱۳۳۰	۰/۰۰۰۸۷۷	۰/۰۲۸۳۱۶	۰/۰۱۰۱۸۲	۰/۰۱۰۸
۱۳۶۹	۰/۰۰۳۶۶۴	۰/۰۰۸۷۶۴	۰/۰۰۰۶۳۹	۰/۰۲۳۹۵۳	۰/۰۹۴۵۸	۰/۰۱۲۹
۱۳۷۰	۰/۰۰۳۴۵۱	۰/۰۰۹۳۸۷	۰/۰۰۰۶۱۳	۰/۰۲۰۴۹۸	۰/۰۸۶۸۸	۰/۰۱۲۴
۱۳۷۱	۰/۰۰۳۵۰۳	۰/۰۰۹۷۸۵	۰/۰۰۰۵۹۳	۰/۰۲۱۲۱۳	۰/۰۹۸۱۳	۰/۰۱۲۳

جدول (۲) - نرخ رشد سهم ارزش افزوده سنوات تولیدات اساسی کشور

سال	کد ۳۱۱۵	کد ۳۱۱۸	کد ۳۲۲۰	کد ۳۶۹۲	کد ۳۶۲۰	کد ۳۵۵۱
۱۳۶۸	۰/۲۳۳۲۸۵	-۰/۱۱۳۰۳۹	-۰/۰۱۷۶۹۸	۰/۰۰۷۷۹۷	-۰/۰۵۱۶۱۲	۰/۰۲۹۰
۱۳۶۹	-۰/۱۷۸۸۸۸	-۰/۲۵۶۷۳۵	-۰/۳۱۶۸۹۱	-۰/۱۶۷۳۶۷	-۰/۰۷۳۶۹۷	۰/۱۷۸۷
۱۳۷۰	-۰/۰۶۰۰۱۰	۰/۰۶۸۶۲۹	-۰/۰۴۰۷۳۷	-۰/۱۵۵۷۵۶	-۰/۰۸۴۹۸۴	۰/۰۳۴۷
۱۳۷۱	۰/۰۱۴۸۶۸	۰/۰۴۱۵۳۳	-۰/۰۳۴۲۳۰	۰/۰۳۴۲۸۵	-۰/۱۲۱۷۶۳	۰/۰۰۸۹

۴ - در این جا مطالعه سهم و نرخ رشد سهم مورد توجه است و نباید با نرخ رشد معمولی خلط شود.

۲. ارزیابی تحقق اهداف کمی پیش‌بینی شده در برنامه:

در این جا، اهداف کمی برنامه که عمدتاً بر نرخ‌های رشد ارزش افزوده اشاره دارد، مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. چارچوب کلی در این بررسی این است که ابتدائاً نرخ رشد و سهم نسبی ارزش افزوده صنایع برحسب کدهای دو رقمی (قیمتهای جاری و ثابت) محاسبه گردیده و روند تغییرات و نوسانات این متغیرها در ارتباط با برنامه اول مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. سپس بحث مشابهی در رابطه با نرخ رشد و سهم نسبی ارزش افزوده صنایع برحسب صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای، اسطه‌ای و مصرفی صورت خواهد گرفت.

جدول شماره (۳) امکان این مقایسه را برای کالاهای ضروری که برشمردیم فراهم می‌آورد.

نتیجه‌ای که برای قند و شکر و روغن نباتی ذکر شد در رابطه با سایر کالاها به غیر از لاستیک، قابل تعمیم می‌باشد و به نظر می‌رسد که لاستیک در مقام قیاس با سایر محصولات از توجه بیشتری برخوردار بوده است. البته با دقت در جدول ملاحظه می‌شود که نرخ رشد این سهم در سال ۷۱ منفی بوده که در نتیجه می‌توان چنین نتیجه گرفت که توجهی که به صنایع لاستیک می‌شده در سال ۷۱ قطع شده است.

جدول شماره (۳) - کالاهای اساسی، صنایع مربوط به آنها و نرخ رشد سهم هر یک

صنایع کارخانه‌ای مربوط	نرخ رشد سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای مربوط به کل صنعت	کالاهای اساسی	نرخ رشد سهم ارزش افزوده کالاهای اساسی
صنایع مواد غذایی	-۰/۶	قند و شکر	-۰/۲۶
صنایع نساجی	-۰/۴	روغن نباتی	-۰/۱۸
صنایع کانی	-۰/۷	پوشاک	-۰/۳۲
غیر فلزی		سیمان	-۰/۱۶/۷
صنایع شیمیایی	۰/۶	شیشه	-۰/۷
		لاستیک	۱۷/۸

آن چه که در وهله اول از این جداول قابل ملاحظه است، نرخ رشد منفی ارزش افزوده در صنایع مواد غذایی و صنایع متفرقه می باشد، نکته دیگر کاهش و نزولی بودن نرخ رشد ارزش افزوده در بیشتر صنایع در سالهای برنامه می باشد.

۱-۲. برنامه و ارزش افزوده در صنایع نه گانه:

در جداول شماره (۴) و (۵) ارزش افزوده صنایع نه گانه و همچنین نرخ رشد ارزش افزوده برحسب قیمت‌های جاری برای این صنایع توضیح داده شده است.

جدول شماره (۴): ارزش افزوده صنایع نه گانه (برحسب قیمت‌های جاری)

کد/سال	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹
۱۳۵۰	۷۱۶۱۷/۲	۱۵۵۱۹/۶	۱۲۰۷/۴	۲۳۶۹/۲	۱۳۵۲۲/۵	۶۹۱۴/۰	۳۰۶۱/۷	۱۲۳۶۷/۶	۲۲۴/۳
۱۳۵۱	۲۳۷۹۸/۲	۱۶۶۶۸/۷	۱۲۱۶/۶	۳۰۵۷/۶	۱۲۸۴۲/۵	۸۰۰۲/۹	۲۹۳۳/۵	۲۲۶۲/۷	۲۸۲/۴
۱۳۵۲	۲۳۸۸۹/۱	۲۳۲۲۳/۲	۱۸۹۹/۷	۳۹۸۰/۶	۱۷۶۲۳/۵	۱۰۷۷۹/۱	۵۸۲۵/۹	۲۵۴۲/۹	۲۲۵/۵
۱۳۵۳	۲۵۱۰۵/۰	۲۳۸۶۶/۲	۲۷۲۶/۰	۹۶۲۴/۰	۲۲۰۲۹/۰	۱۹۲۴۲/۲	۱۳۵۲۵/۱	۳۹۱۶۹/۳	۲۲۱/۰
۱۳۵۴	۲۹۱۰۱/۰	۲۴۹۱۶/۱	۲۸۶۶/۰	۶۳۳۱/۰	۲۵۵۹۵/۰	۲۱۲۲۱/۰	۱۷۶۴۵/۲	۳۶۲۸۸/۰	۵۲۳/۰
۱۳۵۵	۶۲۲۵۱/۰	۴۴۲۲۷/۰	۳۴۹۶/۲	۷۸۷۰/۰	۲۷۹۳۴/۰	۳۱۷۲۳/۰	۱۷۱۲۲/۰	۸۱۵۶۶/۰	۳۷۲/۰
۱۳۵۶	۶۰۶۲۰/۸	۵۰۵۷۵/۸	۲۶۵۴/۲	۹۲۵۳/۶	۵۲۰۵۸/۵	۲۶۲۸۸/۲	۱۸۴۶۱/۵	۷۸۹۲۳/۰	۴۳۹/۲
۱۳۵۷	۵۷۹۲۵/۵	۵۹۲۵۳/۳	۲۹۷۰/۲	۱۲۶۲۰/۸	۶۶۲۰۷/۵	۲۵۹۹۸/۷	۲۱۰۹۸/۵	۷۳۶۹۷/۰	۳۷۲/۵
۱۳۵۸	۵۵۲۱۰/۲	۶۲۵۹۲/۰	۴۱۲۸/۳	۱۲۲۰۳/۴	۷۲۳۳۲/۰	۵۰۷۵۴/۰	۲۲۳۱۷/۰	۷۱۰۷۳/۰	۳۴۱/۰
۱۳۵۹	۸۲۸۱۸/۰	۱۰۸۹۴۷/۳	۷۱۴۲/۰	۱۵۱۹۲/۰	۱۶۳۵۳/۰	۶۹۱۱۰/۰	۲۹۳۱۶/۰	۹۳۶۹۷/۰	۸۰۳/۰
۱۳۶۰	۱۱۱۸۲۷/۰	۱۵۲۶۰/۷	۷۷۹۰/۰	۱۸۵۲۷/۰	۲۳۱۰۸/۰	۹۳۲۵۷/۰	۲۷۷۳۹/۰	۱۳۵۳۱۵/۰	۶۹۸/۰
۱۳۶۱	۱۲۸۶۸۸/۰	۱۹۲۸۲۹/۰	۱۲۹۶۲/۰	۲۳۴۶۶/۰	۸۱۲۲۹/۰	۱۱۳۶۹/۰	۳۳۵۹۷/۰	۱۸۲۱۸۰/۰	۱۲۳۴/۰
۱۳۶۲	۱۳۵۵۱۰/۲	۲۱۲۰۲۲/۱	۱۳۷۶۲/۵	۲۸۶۸۷/۰	۱۰۷۴۶۶/۱	۱۳۱۱۰/۹	۲۵۶۱۰/۰	۲۴۰۳۱۱/۲	۲۰۵۰/۱
۱۳۶۳	۱۳۱۰۵۸/۰	۲۱۹۷۲۴/۰	۱۴۸۲۵/۰	۳۱۸۲۸/۰	۱۲۳۰۶۵/۰	۱۲۹۴۶۶/۰	۷۶۵۳۹/۰	۲۸۱۲۲۵/۰	۲۲۹۶/۳
۱۳۶۴	۱۳۸۶۰/۲	۴۱۵۴۹۶/۰	۱۲۸۳۱/۰	۳۴۱۰۷/۲	۱۱۷۷۰۸/۰	۱۳۸۱۵۳/۰	۷۹۹۱۱/۰	۲۵۱۹۳۳/۰	۲۲۸۳/۱
۱۳۶۵	۱۵۶۹۲۶/۱	۲۱۳۹۴۸/۳	۴۲۰۱/۲	۳۰۰۷۶/۱	۱۲۲۰۱۷/۰	۱۲۱۰۹۵/۰	۷۶۲۷۷/۲	۱۸۹۰۹۲/۰	۱۹۹۹/۱
۱۳۶۶	۲۱۲۳۳۲/۰	۵۴۵۱۱۵/۰	۹۹۸۶۹/۰	۵۱۸۸۲/۰	۲۲۵۹۹۸/۰	۳۲۱۲۷۹/۰	۱۱۰۸۷/۰	۵۵۲۴۳۳/۰	۱۴۱۶۷/۰
۱۳۶۷	۵۵۶۴۶۲/۰	۶۵۴۵۵۰/۰	۱۳۲۴۹۹/۰	۶۸۰۸۶/۰	۲۲۹۴۱۱/۰	۳۵۲۰۲۴/۰	۱۸۵۹۲۵/۰	۵۱۳۳۷۵/۰	۱۹۹۳۹/۰
۱۳۶۸	۶۴۷۸۸۷/۰	۷۳۳۶۷۸/۰	۱۷۰۱۱۳/۰	۱۰۲۱۲/۰	۲۳۷۶۸۸/۰	۳۷۸۷۲۶/۰	۱۹۷۷۵۸/۰	۷۲۳۱۱۹/۰	۲۷۳۳۱/۰
۱۳۶۹	۶۲۵۱۰۶/۰	۹۷۴۲۷۸/۰	۱۷۳۲۸۳/۰	۱۲۶۲۲۲/۰	۲۴۸۱۶۵/۰	۲۸۶۵۱۷/۰	۵۵۹۹۳۴/۰	۱۱۲۹۶۴۸/۰	۱۳۸۲۸/۰

هزینه‌های تولید دانست. حالت دوم، یعنی کاهش ارزش افزوده به دلیل افزایش هزینه‌ها خود می‌تواند یا به دلیل حذف حمایتها و سوبسیدهای حمایتی و یا به دلیل ناکارآتر شدن فرآیند تولید باشد^۵.

البته دو دلیل عمده را می‌توان برای بروز این پدیده (روند نزولی نرخ رشد ارزش افزوده) برشمرد. این امر یا می‌تواند به علت تغییر ارزش ستانده‌ها باشد و یا می‌توان آن را ناشی از تغییر در ارزش نهاده‌ها و افزایش

جدول شماره (۵): نرخ رشد ارزش افزوده صنایع ۹ گانه (برحسب فیصتهای جاری)

کد/سال	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹
۱۳۵۱	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۳	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۴	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۵	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۶	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۷	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۸	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۱	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۳	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۴	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۵	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۶	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۷	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۸	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰

۵ - بحث در مورد این دلایل و ارزیابی کمی تاثیر هر کدام را به فرصت‌های آینده موکول می‌کنیم.

است. مهمترین دلیل این پدیده همانا به حد اشباع رسیدن ظرفیتهای تولیدی خفته و وجود تنگناهای ارزی می باشد. حدوث این پدیده نشان می دهد که ساختار صنعتی از استحکام کافی برخوردار نمی باشد.

در این جا تحلیل مشابهی را به مدد آمار برای تغییرات نرخ رشد ارائه می دهیم. میانگین نرخ رشد ارزش افزوده صنایع نه گانه به قیمت ثابت سال ۶۷ در جدول شماره (۶) آورده شده است.

۲-۲. برنامه و ارزش افزوده در صنایع سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی:
گفتیم که عملکرد سالهای ۶۸ تا ۷۱ نشانگر آن است که متوسط رشد ارزش افزوده در بخش صنعت از رشد پیش بینی شده در برنامه بیشتر بوده است.
در سال ۶۸ نرخ رشد ارزش افزوده کل صنعت (به قیمت های ثابت سال ۶۷) به

آمار تغییرات نرخ رشد ارزش افزوده نشان می دهد که این شاخص در سالهای ۶۸ و ۶۹ دارای رشد بوده اما اطلاعات اخیر (سالهای ۷۰ و ۷۱) تا آنجا که در دسترس است نشان می دهد که طی این دو سال، هر چند که میانگین نرخ رشد در بسیاری از صنایع مثبت می باشد اما نرخ رشد روندی نزولی یافته و در سالهای ۷۰ و ۷۱ در بیشتر صنایع نرخ رشد در شاخه کارخانه ای نیز منفی بوده

جدول شماره (۶) - میانگین نرخ رشد ارزش افزوده صنایع ۹ گانه (به قیمت ثابت ۶۷)

نام صنعت	میانگین نرخ رشد ارزش افزوده (درصد)
صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	-۲/۳
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۱/۷۹
صنایع چوب و محصولات چوبی	۲/۵
صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی	۳۰
صنایع شیمیایی	۲۵/۳
صنایع محصولات کانی غیر فلزی (به جز فرآورده های نفت و ذغال سنگ و صنایع تولید فلزات اساسی).	۸
صنایع تولید فلزات اساسی	۴۷
صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فنی	۳۰
صنایع متفرقه	-۲۶/۴

تخصیصی بوده است، اما هرچه در طول زمان جلوتر رفته‌ایم، ظرفیتهای مورد استفاده یا به مرز اشباع نزدیک شده و یا به دلیل تنگناها در تخصیص منابع ارزی و کاهش ذخائر ارزی، همراه با کمبود (یا فقدان) سرمایه‌گذاریهای جدید قادر به حفظ پتانسیل و شتاب اولیه رشد ارزش افزوده نبوده‌ایم.

انتظار می‌رود این روند نزولی در نرخ رشد ارزش افزوده، به دلیل سیاستهای جاری و تنگنای ذخائر ارزی و عدم کفایت سرمایه‌گذاری، بازهم کاهش بیشتری بیابد. متأسفانه همراه با تغییرات در سیستم ارزی و نرخ ارز، سیاستهای حمایتی متناسب و جایگزین برای صنایع در برنامه پیش‌بینی نشده (هرچند که خود تغییر سیستم ارزی نیز پیش‌بینی نشده بود) که این امر قطعاً منجر به کاهش تولید و افزایش قیمت‌های داخلی خواهد شد، امری که در حال حاضر کاملاً مشهود و محسوس می‌باشد. باورها بر این است که تا زمانی که تنگناهای ساختاری موجود بر سر راه صنایع، همچنین مشکلات زیربنایی آن بر طرف نگردد، هیچ نوع برنامه‌ای در ایجاد رشد مناسب و مطلوب صنایع موفق نخواهد بود. حتی در آینده رشدهای کوتاه مدت و مقطعی که در ابتدای برنامه آنها را تجربه کرده‌ایم، به دلیل از بین رفتن موقعیتها و شرایط قبلی، دور از دسترس خواهند بود. حال اجازه دهید که عملکرد صنایع را به تفکیک صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای (صنعتی، غیرصنعتی)

میزان ۶/۷ درصد بوده است، این نرخ در سال ۶۹ حدود ۲۹ درصد، سال ۷۰ حدود ۱۸ درصد و در سال ۷۱ حدود ۰/۵ درصد بوده است.

جدول زیر امکان مقایسه بین نرخ رشد ارزش افزوده کل صنعت را با نرخهای پیش‌بینی شده در برنامه به دست می‌دهد:

جدول شماره (۷): نرخ رشد ارزش افزوده صنعت (قیمت ثابت ۶۷)

سال	عملکرد	پیش‌بینی
۱۳۶۸	۶/۷	۱۱/۳
۱۳۶۹	۲۹	۱۳
۱۳۷۰	۱۸	۱۳/۹
۱۳۷۱	۰/۵	۱۵/۶

بدین ترتیب نسبت به پیش‌بینی برنامه، نرخ رشد ارزش افزوده صنعت به میزان ۴/۶ درصد در سال ۶۸ کمتر، ۱۶ درصد در سال ۶۹ بیشتر، ۴/۱ درصد در سال ۷۰ بیشتر و حدود ۱۵/۱ درصد در سال ۷۱ کمتر بوده است. به طور متوسط در طی این سالها نرخ رشد ارزش افزوده صنعت حدود ۱۳/۵ درصد بوده است که از میزان پیش‌بینی شده در برنامه (۱۴/۲ درصد) کمتر می‌باشد.

حال علت تغییرات روند نزولی نرخ رشد ارزش افزوده صنایع طی سالهای برنامه چیست؟ دلیل عمده این امر را می‌توان در استفاده از منابع و ظرفیتهای خفته درسالهای اول برنامه دانست. این بهره‌برداری از منابع و ظرفیتهای بیکار (Idle Capacity) همراه با افزایش حجم ارز

و مصرفی مورد ارزیابی قرار دهیم.

در نرخ رشد ارزش افزوده صنایع سرمایه‌ای (به قیمت ثابت سال ۶۷) در سال ۶۸ برابر با ۳/۵ درصد و برای سال ۶۹ برابر با ۸۶ درصد، در سال ۷۰ حدود ۳۲ درصد و در سال ۷۱ نرخ رشد منفی و برابر ۱۲/۳- درصد می‌باشد. به طور متوسط طی سال‌های برنامه، صنایع سرمایه‌ای دارای نرخ رشد ارزش افزوده حدود ۲۷/۳ درصد بوده است. به کمک جدول شماره (۸)، مقایسه نرخ رشد ارزش افزوده و عملکرد صنایع سرمایه‌ای با مقادیر پیش‌بینی شده در برنامه امکان‌پذیر می‌باشد.

جدول (۸): نرخ رشد ارزش افزوده صنایع سرمایه‌ای در طول سالهای برنامه (قیمت ثابت ۶۷)

سال	عملکرد	پیش‌بینی
۱۳۶۸	۳/۵	۱۱/۳
۱۳۶۹	۸۶	۴۴
۱۳۷۰	۳۲	۴۵/۲
۱۳۷۱	-۱۲/۳	۱۷/۹

مجدداً همان پدیده‌ای که در رابطه با کل صنایع ملاحظه نمودیم، در این جا نیز قابل مشاهده است. در ابتدای برنامه با رشد سریع ارزش افزوده مواجهیم که به تدریج در طول زمان، این نرخ رشد کاهش یافته و در سال ۷۱، نرخ رشد، منفی می‌گردد. دلائل این امر دقیقاً همان دلائل کلی است که در رابطه با روند مشابه برای کل صنایع ذکر

گردید. اما می‌توان دلائل دیگری از جمله: تعدد وزارتخانه‌های صنعتی و نامشخص بودن نظام تصمیم‌گیری در رابطه با صنایع، وجود انواع معافیتها، سوبسیدها و یا ارز سسوبسیدی برای واردات ماشین‌آلات و تجهیزات، عدم رقابت پذیری کالاهای تولیدی با محصولات مشابه خارجی، عدم وجود واحدهای واسطه‌ای با کیفیت مناسب، عدم وجود حمایت‌های مناسب (تعرفه‌ای، اعتباری، ارزی و...) را نیز برشمرد.

همین نرخهای رشد و تحلیلی مشابه برای صنایع تولید کننده کالاهای مصرفی وجود دارد.

نتایج مقایسه‌ای عملکرد و پیش‌بینی در برنامه در تولیدات مصرفی جدول شماره (۹) ملاحظه می‌شود.

جدول شماره (۹): نرخ رشد ارزش افزوده صنایع مصرفی در طول سالهای برنامه (قیمتهای ثابت سال ۶۸)

سال	عملکرد	پیش‌بینی
۱۳۶۸	۸/۸	۲/۵
۱۳۶۹	۲۵/۶	۴
۱۳۷۰	۱۸/۶	۷
۱۳۷۱	۴/۹	۶

همان گونه که ملاحظه می‌شود تغییرات نرخ رشد ارزش افزوده صنایع مصرفی همسانند روند تغییرات نرخ رشد ارزش

افزوده کل صنایع می باشد. بدین معنی که در ابتدای برنامه نرخ رشد نسبتاً بالاست ولی از سال ۷۰ با روند نزولی مواجه می باشیم. نکته حساس آن است که نرخهای رشد ارزش افزوده در صنایع تولیدکننده کالاهای مصرفی در قیاس با پیش بینی برنامه در تمامی سالها بسیار بیشتر و بزرگتر می باشد. دلیل عمده این امر را می توان به تأثیر عوامل بازاری و بی تأثیر بودن حاکمیت برنامه بر روی روند حرکت صنایع مرتبط دانست. زیرا به دلایل مختلف، تمایل سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در این صنایع بیشتر می باشد. از جمله دلایل این تمایل می توان به کشش های قیمتی محصولات این صنایع، کمتر بودن تنگناها و مشکلات تولیدی در این گونه صنایع و از همه مهمتر پیچیده نبودن تکنولوژی در آنها اشاره نمود. تأثیر این روند بر سرمایه گذاری نیز قابل توجه است. بررسی های انجام شده نشان می دهد که سوبسیدها و حمایت های دولت از صنایع مذکور طی این سالها، سرمایه گذاران جدید را به احداث واحدهای جدید در زمینه مصرفی متمایل ساخته ولی به دلیل شروع سیاست توقف پرداخت سوبسید به این صنایع و اعمال سیاست تک نرخی ارزش این پروژه ها (نیمه تمام) به خیل واحدهای متوقف پیوسته اند.

نکته قابل ذکر دیگر در این میان آن است که این صنایع در مقیاسهای کوچک و با سرمایه گذاریهای نسبتاً اندک (نسبت به صنایع سرمایه ای و واسطه ای) به

بهره برداری رسیده و به دلیل سیاستهای حمایتی دولت طی این سالها دسترسی این صنایع به مواد اولیه و خام مورد نیازشان نیز سهل تر بوده و ازسوی دیگر تقاضای با ثبات و نسبتاً پایدار برای محصولات آنها وجود داشته است.

بدین ترتیب عوامل بازار (هم طرف عرضه و هم طرف تقاضا) هر دو در جهت رشد نسبی بیشتر این صنایع عمل کرده اند. البته وقتیکه سهم نسبی ارزش افزوده صنایع سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی طی سالهای برنامه مورد مقایسه و ارزیابی قرار می گیرند، توضیحات بیشتری ارائه خواهیم داد.

یک بار دیگر لازم است به این نکته تأکید کنیم که برنامه تقریباً هیچ گونه نقشی در حرکت و روند بالفعل صنایع نداشته است و در واقع این حرکت بیشتر تابع عوامل بازار (Market) بوده است. ممکن است چنین ادعا شود که برنامه توانسته است پیامهای بازار را تغییر داده و از این طریق بر روند بالفعل صنایع موثر واقع شود. اگر چنین امری نیز اتفاق افتاده باشد، تغییر این پیامها متأثر از ابزارهای سیاستی مطابق اهداف برنامه نبوده و حتی اگر برنامه موفق به تغییر پیامهای بازار شده است نیز، پیامدها در جهات مطلوب و آنطور که در برنامه پیش بینی شده نبوده است.

در ادامه بحث به بررسی نرخ رشد ارزش افزوده صنایع واسطه ای می پردازیم.

بر بحثهای قبلی وجود دارد. به علت تاخیر در بهره‌برداری از سرمایه‌گذاریهای جدید و راه‌اندازی واحدهای نیمه تمام، در این نوع صنایع نتوانسته‌ایم به اهداف پیش‌بینی شده در برنامه برسیم.

جدول شماره (۱۰) امکان مقایسه عملکرد با برنامه رادرباطه بانرخ رشد ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای به دست می‌دهد. تحلیل نتایج همانند حالت‌های قبل می‌باشد. اما یک نکته مهم در این جا علاوه

جدول شماره (۱۰): نرخ رشد ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای در طول سالهای برنامه (قیمت ثابت ۶۷)

سال	عملکرد نرخ رشد ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای صنعتی	عملکرد نرخ ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای غیر صنعتی	عملکرد نرخ ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای کل	پیش‌بینی برنامه برای کل
۶۸	۵/۴	۷/۴	۶	۱۸/۹
۶۹	۲۵/۶	۲۳/۸	۲۵/۱	۱۶/۵
۷۰	۱۳/۶	۲۱/۹	۱۶/۱	۱۴/۴
۷۱	۶/۹	-۱۷/۷	-۵/۱	۲۱/۲

جدول شماره (۱۱): میانگین نرخ رشد ارزش افزوده گروه‌های صنعتی (عملکرد و برنامه) (سالهای برنامه - قیمت ثابت سال ۶۷)

نام صنعت	میانگین نرخ رشد ارزش افزوده عملکرد	میانگین نرخ ارزش افزوده پیش‌بینی شده
صنایع کالاهای سرمایه	۲۷/۳	۲۴
صنایع کالاهای واسطه‌ای	۲۱/۸	۲۰
صنایع کالاهای مصرفی	۱۴/۵	۴/۲
کل	۱۳/۴	۱۴/۲

جدول شماره ۱۲: وضعیت عملکردی بخش صنعت در گروه‌های صنعتی (قیمت ثابت ۶۷)
(به‌ره برداری) (میلیارد ریال)

۱۳۶۹		۱۳۶۸		شرح
عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	
۲۲۶۶/۶	۱۸۳۴/۷	۱۹۰۲/۸	۱۶۲۳	ارزش افزوده تولیدات صنعت
۱۰۳/۶	۱۳۳/۰	۸۲/۵	۹۹/۲	ارزش افزوده تولیدات سرمایه‌ای
۱۴۲۲	۱۰۰۴/۶	۱۱۴۹	۸۳۷/۴	ارزش افزوده تولیدات واسطه‌ای
۵۴۸	۶۶۸/۲	۶۹۵	۵۳۷/۵	ارزش افزوده تولیدات واسطه‌ای صنعتی
۵۴۸	۳۳۶/۴	۴۵۴	۲۹۹/۶	ارزش افزوده بخش غیرصنعتی
۹۴۱	۶۹۰/۸۷	۶۷۱/۳	۶۶۳	ارزش افزوده بخش صنایع مصرفی

جدول شماره ۱۳: وضعیت عملکردی بخش صنعت در گروه‌های صنعتی
(به‌ره برداری و توسعه) (میلیارد ریال)

سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۶۸		شرح
عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	
۲/۱۰۶	۱/۸۲۴/۷	۱/۱۹۴	۱/۶۲۳	ارزش افزوده بخش صنعت
۱۰۳/۶	۱۱۵	۸۲/۵	۸۰	ارزش افزوده صنایع سرمایه‌ای
۱/۱۴۹	۱/۰۰۴/۶	۱/۱۴۹	۸۳۷/۴	ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای
۸۷۲	۶۶۸	۶۹۵	۵۳۷/۵	ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای صنعتی
۵۴۸	۳۳۷/۳	۴۵۴	۲۹۴/۶	ارزش افزوده صنایع واسطه‌ای غیرصنعتی
۹۴۱	۶۹۰/۸	۶۷۱/۳	۶۶۳	ارزش افزوده صنایع مصرفی
۲۰۷	۵۲۶/۸	۵۵۰/۴	۴۷۹/۹	میزان سرمایه‌گذاری در بخش
۶۵/۷	۷۰	۴۶/۲	۷۰	میزان سرمایه‌گذاری ثابت در صنایع سرمایه‌ای
۸۷/۱	۲۷۸/۴	۳۶۶/۹	۲۷۸/۴	میزان سرمایه‌گذاری در صنایع واسطه‌ای
۵۳/۹	۳۸	۱۳۷/۳	۳۸	میزان سرمایه‌گذاری در صنایع مصرفی

کننده است. در این جا تغییرات سهم نسبی ارزش افزوده این صنایع را به کل ارزش افزوده صنایع مورد ارزیابی قرار می دهیم. سهم نسبی ارزش افزوده صنایع سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی به کل ارزش افزوده صنایع در سال های برنامه در جداول شماره (۱۵) و (۱۶) گزارش شده است. از جداول مورد اشاره چنین برمی آید که در طی سالهای برنامه به طور متوسط سهم ارزش افزوده هر کدام از گروههای صنایع سرمایه ای و واسطه ای و مصرفی به ترتیب برابر ۵/۹ درصد، ۶۵/۳ درصد و ۲۸/۸ درصد بوده است. با دقت در جدول یاد شده، ملاحظه می گردد که سهم ارزش افزوده گروههای مختلف صنایع، تغییرات بسیار

به طور متوسط صنایع تولیدکننده کالاهای واسطه ای صنعتی دارای رشد ۱۳ درصد طی دوران برنامه و صنایع تولیدکننده کالاهای واسطه ای غیرصنعتی در حدود ۸/۸ درصد در این دوران می باشد. کل صنایع واسطه ای دارای میانگین نرخ رشد ارزش افزوده ای برابر با ۱۱/۸ درصد طی این دوران می باشد، که از رقم پیش بینی شده در برنامه یعنی رقم ۲۰ درصد به مراتب کمتر می باشد و برنامه قادر به رسیدن به این هدف کمی نیز نبوده است. اینک باز می گردیم به سهم هریک از گروهها و نرخ رشد آن. قبلاً گفتیم که سهم نسبی ارزش افزوده در این گروهها از نظر ساختارهای تعیین

جدول شماره (۱۴): ساختار تولیدی بخش صنعت* (دیدگاه برنامه اول)

(میلیارد ریال ۱۳۶۷)

رشد متوسط سالانه	۱۳۷۲		۱۳۶۷		
	(%)	ارزش افزوده	(%)	ارزش افزوده	
۱۴/۲	۱۰۰	۲۷۵۰	۱۰۰	۱۴۱۴	بخش صنعت
۴/۲	۲۸/۲	۷۸۰	۴۵	۶۳۶/۳	صنایع مصرفی
۲۰	۶۳/۱	۱۷۳۵	۴۹/۳	۶۹۷/۷	صنایع واسطه ای
(۲۴/۳)	(۷۴)	(۱۲۸۵)	(۶۲)	(۴۳۲/۵)	صنایع صنعتی
(۱۱/۱)	(۳۶)	(۲۵۰)	(۳۸)	(۲۶۵/۲)	صنایع غیرصنعتی
۲۴	۸/۵	۲۳۵	۵/۷	۸۰	صنایع سرمایه ای

* شامل کارگاههای بزرگ و کوچک اعم از شهری و روستایی - برآوردی

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اهداف کمی برنامه در این دو زمینه به اندازه کافی با توفیق، قرین نبوده است و منابع ریالی و ارزی مصرف شده، پوشش دهنده منویات مورد اشاره نبوده و بعید به نظر می‌رسد که در آینده چنین تسهیلات و منابعی اساساً قابل وصول باشد.

تهیه کنندگان برنامه دوم با بهره‌گیری از تجارب برنامه اول و با پیش‌بینی سیاستها و نظامهای اجرایی و نظارتی لاجرم باید به گونه‌ای رفتار نمایند که آزموده بخش صنعت، در برنامه دوم تکرار نگردد.

ناچیزی داشته است یا به عبارت دیگر هزینه‌های هنگفت انجام شده نتوانسته تغییر چندانی در «ساختار صنعتی» کشور بوجود بیاورد.

جدول شماره (۱۵) - سهم نسبی ارزش افزوده گروههای صنایع در طول سالهای برنامه اول

سال	سرمایه‌ای	مصرفی	واسطه‌ای
۱۳۶۷	۰/۰۳۹۳۹۲	۰/۲۸۴۲۳۲	۰/۶۷۶۱۷۲
۱۳۶۸	۰/۰۳۸۱۵۲	۰/۲۹۰۵۱۸	۰/۶۷۱۳۳۰
۱۳۶۹	۰/۰۶۸۰۰۴	۰/۲۸۲۳۳۴	۰/۶۴۹۶۵۲
۱۳۷۰	۰/۰۷۸۲۰۰	۰/۲۸۲۳۲۶	۰/۶۳۷۳۵۲
۱۳۷۱	۰/۰۶۸۸۲۲	۰/۲۹۷۷۹۲	۰/۶۳۳۸۶۶

جدول شماره (۱۶) - نرخ تغییرات سهم نسبی ارزش افزوده گروههای صنایع در طول سالهای برنامه اول

سال	سرمایه‌ای	مصرفی	واسطه‌ای
۱۳۶۸	-۰/۰۳۲۰۰۳	۰/۰۰۶۰۸۵	-۰/۰۰۴۸۲۲
۱۳۶۹	۰/۰۵۷۷۹۹۲	-۰/۰۰۸۰۸۴	۰/۰۰۲۱۷۶۸
۱۳۷۰	۰/۰۱۴۰۹۸۸	۰/۰۰۱۹۱۱	-۰/۰۰۱۲۲۰۸
۱۳۷۱	-۰/۰۱۲۸۷۳۷	۰/۰۰۱۲۹۲۷	-۰/۰۰۳۳۸۸

مآخذ:

- ۱- کتاب قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنج ساله ۷۲-۱۳۶۸
- ۲- گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۹ - دفتر اقتصاد کلان - معاونت اقتصادی سازمان برنامه و بودجه - آذرماه ۱۳۷۱.
- ۳- حسابهای ملی ایران - اداره حسابهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- بررسی کلی از تصویر منبرهای کلان اقتصادی با عنایت به وضع آنها طی سالهای برنامه پنج ساله اول - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - دکتر اکبر کیمیجانی و همکاران - مرداد ماه ۱۳۷۲.
- ۵- ارزیابی عملکرد بخش صنعت در برنامه اول توسعه (ویسرایش اول) - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - مرداد ماه ۱۳۷۲

۳. نتیجه‌گیری:

برنامه اول بر اصلاح ساختار صنعت تأکید جدی داشته است. بی‌شک نرخ رشد سهم تولیدات استراتژیک و همچنین نرخ رشد سهم نسبی صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای از شاخص‌های تعیین‌کننده ساختار صنعتی کشور به حساب می‌آید.